

# ۸ مارس روز جهانی زن را گرامی بداریم!

## یحیی دونداری



امسال در شرایطی به استقبال ۸ مارس می رویم که توفانی از نفرت و بیزارگی علیه ظلم و ستم و بی عدالتی منطقه را فرا گرفته است، آتشی که محمد عزیز کارگر تونسی برپا کرد و خود را در آن سوزاند، گرمابخش منطقه شد و رقص شعله اش در هر کران پیدا است و هنوز این آتش مهار نشده است و از قصر و قلعه ها گذشته و دامنه دارتر می شود. این موج عظیم آزادیخواهی و ضد استبدادی مرزها را در نوردیده است و همبستگی منطقه ای و بمعنای دیگر جهانی را بوجود آورده است و گویی از قبل سازماندهی شده است و ستاد مشترکی آنرا هدایت می کند.

این جنبش مختص طبقه و قشر خاصی نیست، تمامی اقشار و طبقاتی که متفرد از وضع موجود هستند در آن شرکت دارند و رو در رو با دشمنان آزادی و انسانیت قرار گرفته اند و تابحال قربانی زیادی را هم در این راه داده اند.

شرکت زنان در این حرکتها چشمگیر است و دوشادوش مردان در نبرد هستند منتها همچون سایرین به شعارهای عمومی اکتفا کرده اند و کمترین خواست خود را مطرح میکنند، شعاری از ظلم و ستم علیه زنان سر داده نمیشود و پلاکاردی به چشم نمیخورد که حقوق زن را به معرض نمایش بگذارد. در حرکتهای ایران هم در یکسال گذشته وضع به همین شکل بوده است، یکی از خصوصیات برجسته جمهوری اسلامی ایران سیاست زن ستیزی است و تنها با این سیاست می توان جمهوری اسلامی را محکوم به نابودی نمود. طی این یکسال و اندی که مردم ایران بخصوص در تهران هرازگاهی به خیابانها می آیند و ندای آزادی و دموکراسی را سر می دهند و علیه دیکتاتوری و فاشیسم دینی بپا خاسته اند، غیر از شعار مرگ بر دیکتاتور و.....خواست معین جنبش های کارگری و زنان و حقوق ملیتها مطرح نمی شوند و بارها و بارها این نقد صورت گرفته است و عمدتاً خطاب به سازماندهندگان این حرکت که به جنبش سبز مشهور شده است، مطرح می شود. آیا این توقع واقعی است؟ می توان از یک جنبش همگانی انتظار داشت که خواست جنبش مشخصی همچون جنبش زنان و یا کارگران را مطرح کنند و برای به کرسی نشاندنشان تا به آخر تلاش کنند. در ایران جنبش زنان ضعیف و در حاشیه نیست، اگر چه فشار و اذیت و آزار است و متحمل سختترین شرایط است، علیرغم این وضع این ظرفیت را داراست که با صف مستقل خود در این اعتراضات ظاهر شود و تلاش کند شعار و خواست زنان را به یکی از خواستههای اصلی این حرکت تبدیل و یا تحمیل کند، در افکار عموم و در سطح جهان هم که مسائل ایران زیاد منعکس می شود ولی کمتر مسائل زنان به صدر خبرها رسیده است، در صورتیکه در این یکسال و نیم، جنبش زنان می توانست بیشترین بهره را به نفع خود ببرد و حتی از مرگ ندا که به نمادی در سطح جهان تبدیل شد، کمترین استفاده نمود.

زنان بعنوان افراد و احاد شرکت پر رنگی در حرکتها دارند ولی بمرور در آن حل می شوند، در طول تاریخ و در ادوار مختلف و در تمام جنبشها و انقلابات هم همینطور بوده است، اگر در بحبوحه حرکتها و در این موجهها این جنبشها نتوانند میخ خود را به آن بزنند و از این فرصتهای تاریخی استفاده نکنند، سرانجام و در نهایت فاتح حرکت مستقل خود نیستند، هر چند فداکاری هم کرده باشند، و نداها را هم از دست بدهند. تجربه انقلاب ۵۷ این را نشان داد زنان و کارگران نقش اساسی در سرنگونی رژیم گذشته داشتند، حاصل مبارزاتشان بیش از پیش سرکوب مجدد و پایمال کردن حقوقشان بود، چه کس و جریانی این را گارانتی می کند که این بار هم وضع به روال گذشته نباشد، با توجه به اینکه یک آلترناتیو انقلابی و خواهان آزادی و دموکراسی به معنای واقعی هنوز در مقابل جمهوری اسلامی شکل نگرفته است.

جنبش زنان در ایران از آنچنان پتانسیل و ظرفیتی برخوردار است که بتواند بعنوان یک جنبش مستقل و همه گیر عرض اندام کند، افکار عمومی در منطقه و جهان هم به نفعش عمل می کند زن ستیزی جمهوری اسلامی زبانه زده خاص و عام شده است، سازمانها و جریانات خارج از کشور هم فعالیت گسترده ای در رابطه با مسائل زنان دارند در مجموع این پارامترها می توانند در به کرسی نشاندن خواست برحق زنان که اساساً برابری با مردان در تمام شئون زندگی است، ایفای نقش بکنند.

اگر سیر رویدادها طور دیگری عمل کنند و خواست زنان در خواست عمومی کمرنگ شوند و به حاشیه رانده شوند، پیش بینی این می شود بازنده این میدان باز هم زنان خواهد بود و در فرآیند آزادی ایران هم کمترین دستاورد نصیبشان خواهد شد.

برای رسیدن به خواست برابری زن و مرد، وظیفه هر انسان آزادیخواه و برابری طلبی است که در این میدان خود را بیابد و برای به اهتزاز در آوردن این پرچم، بیش از پیش بکوشد.

گرامی باد زنانی که قربانی فرهنگ مردسالاری شده اند.

پرشکوه باد ۸ مارس روز جهانی زن.